

# ابن کمونه و کتاب الاجاث عن الملل الثلاث (1) دکتر علینقی منزوی

[خاطرات وحید ، سال ششم ، خرداد ماه 1348 (مه  
1969/ ربیع الاول 1389 ) ، ش 66 ، صص 370 - 371]

ابن کمونه، سعد بن منصور بن حسن بن هبه الله بن کمونه، فیلسوف در گذشته‌ی 683ق = 1284م را اکثر آشنایان به فلسفه‌ی مشرق زمین می‌شناسند. در یهودی بودن جدش هبه الله شک و تردیدی برای محققان برجای نمانده، ولیکن خود او در برخی از نوشته‌هایش گاهی به بی‌طرفی تظاهر کرده، و زمانی به اسلام گراییده است، بدین سبب گروهی او را مسلمان دانسته و افکار فلسفی در آثار او را بر مذهب اعتزال حمل نموده‌اند، و صاحب ذریعه او را شیعی فرض کرده است. در اواخر قرن هفتم هجری یهودیان بر کارهای دیوانی مشرق زمین مسلط شدند. یعنی در زمان امپراطوری مغولان، چون برای اداره‌ی امور مملکت به مسلمانان اعتماد نداشتند، زمام امور را به دست غیر مسلمین سپردند، و در آن روزگار بیشتر حکام شهرهای مهم عراق و ایران یهودی بودند. ابن کمونه در پایان عمر با آغاز این دوره رو به رو شد، و از این روی در آن قسمت از تألیفاتش که به آخر عمرش مربوط می‌شود آثار یهودیت آشکارتر است. مشهورترین آثار او عبارتند از:

1. شرح تلویحات که نسخه‌های آن در کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی و در دانشکده‌ی الهیات موجود است.
2. شرح اشارات که در کتابخانه دیوان هند است.
3. الکاشف که نسخ آن در مجلس شورای ملی و کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه موجود است.
4. اللمعه الجوینه که در کتابخانه مجلس شورای ملی و در دانشگاه تهران موجود است.
5. الحکمه الجدیده که نسخه‌ای از آن نزد جمیل صدقی زهاوی در بغداد موجود است.
6. رساله‌ی « ازلیت نفس » که توسط ائون غوی در سال 1944م چاپ شده است.
7. رساله‌ی تجرد نفس که در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است.
8. چهار التقاط از آثار الباقیه، شمسیه، قانون مسعودی، هیئت مؤید عرضی که صاحب ذریعه آن‌ها را در خزانه‌ی غروی دیده است.
9. فواید پراکنده و مغالطات و شبهات منطقی او، که نسخ آن در کتابخانه مجلس شورای ملی و دیگر کتابخانه‌ها فراوان است.

شهرت ابن کمونه از سده‌ی یازدهم به بعد به یک شبهه است که توحید به او منسوب شده است، و چون در اعداد شبهات وی در نسخ موجود دیده نمی‌شود، من آن را جداگانه در بخش دوم این مقاله مورد گفتگو قرار می‌دهم.

– تذکره‌ی کیمیا، کتابی بدین نام نیز به ابن کمونه منسوب شده، لیکن از وجود آن خبری نداریم.

– *المطالب المهمه من علم الحکمه* در هفت فصل و هر فصل در هفت مبحث است. ترتیب کتاب با *الکاشف* شباهت دارد اما تفاوتش با آن بسیار است نسخه‌ی آن در کتابخانه‌ی آستانه مشهد هست که عکس آن را دوست ارجمندم جناب آقای احمد گلچین معانی برایم به بیروت فرستاده‌اند. در پشت برگ اول نوشته شده «تألیف ابن کمونه الذی صار الی مذهب الامامیه اخیراً و مات علیه».

– *تنقیح الایحاث عن الملل الثلاث*.

آخرین اثر ابن کمونه که بیش از دیگر تألیفات او بیان کننده‌ی طرز فکر او است کتاب *تنقیح الایحاث عن الملل الثلاث* است که برخی کلمه *تنقیح* را نیز از آغاز نام آن برداشته و *الایحاث* خوانده‌اند.

قدیم‌ترین جایی که از این کتاب نام برده شده در کتاب *الحوادث الجامعه فی المایته السابقه*، چاپ بغداد، 440 ص می‌باشد. اگر در انتساب این کتاب به ابن فوطی شک است لیکن در این که مؤلف هر که باشد معاصر ابن کمونه بوده است شکی نیست. او در باره‌ی این کتاب چنین می‌گوید:

در این سال (683 ق) در بغداد مشهور شد که ابن کمونه کتابی به نام *الایحاث عن الملل الثلاث* ساخته و در آن به نبوت حمله کرده است. مردم برای قتل او گردآمدند. تمسکای مغول و مجدالدین ابن‌اثیر مردم را فریب داده پراکنده نمودند، و ابن کمونه در صندوق نهاده شد و نزد پسرش به حله فرستاده شد، و همان جا پس از اندکی درگذشت.

اینک این سؤال پیش می‌آید که در این کتاب چیست که موجب خشم مردم شده است؟ برای به دست آوردن پاسخ این سؤال بود که چون پدرم در کتاب ذریعه نسخه‌ی آن را در مجلس نشان داده بود به سراغ آن رفتم. و چون نسخه تاریک و عکس ناپذیر بود، همه‌ی آن را رونویسی کرده و برخی کلمات ناخوان آن را با رنج فراوان خواندم.

**سبب تألیف این کتاب:** مؤلف در مقدمه کتاب می‌گوید گفتگوهای رخ داد که موجب تألیف آن گردید گفتگوها چیزی بیان نکرده است، اما چون تألیف کتاب در دهه‌ی هشتم سده‌ی هفتم رخ داده، و در این تاریخ مغول‌ها حکومت بیشتر شهرستان‌های ایران و عراق را به دست حکام یهود سپرده بودند، و مجدالدین ابن‌اثیر صاحب دیوان بغداد و مهذب - الدوله‌ی ماسعیری نائب الحکومه آن جا بود و هم ایشان ابن کمونه را در هجوم عوام نجات داده و به حله فرستادند دور نیست که تألیف این کتاب با موافقت بزرگان یهود انجام شده باشد. (ناتام)